

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

# ایسکرا ۵۳۳

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنش باز گرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

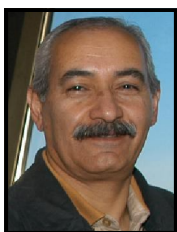
www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳ شهریور ۱۳۸۹، ۲۵ اوت ۲۰۱۰

سر دبیر: عبدال گلپریان

## جوانبی دیگر از سازماندهی هسته های محلات پاسخ به سه سؤال



عبدال گلپریان

جنبه های امنیتی کار باید کاملاً رعایت شود. اما نتایج تصمیمات با توجه با جایگاه هر کدام از آنها و شکل و شیوه های آن بخشا می صفحه ۲

**عبدال گلپریان:** سؤال بسیار خوبی است. در آن مقاله اشاره کرده بودم که هسته فعالین محلات قرار است ابتدا خود را سروسامان دهند، جلسات مشخصی داشته باشند که در آن بروی فعالیتهایی که در دستور خود قرار می دهند بحث کنند و آنها را مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. ابهامات و ناروشنیاها را برطرف کنند و نهایتاً با تقسیم کار در بین خود به سراغ فعالیت تعیین شده بروند. قطعاً اینگونه فعالیت ها باید بطور مخفی انجام شود بویژه اینکه

**آوات فرخی:** در شماره ۵۳۲ نشریه ایسکرا مقاله ای از شما تحت عنوان "سازماندهی در محلات" بچاپ رسیده است. نکاتی که شما در این مطلب اشاره کرده اید قطعاً سئوالاتی را برای فعالین مطرح خواهد کرد. یکی از این سئوالات این می تواند باشد که آیا این هسته ها عموماً باید مخفی باشند یا علنی یا هر دو؟ در هر حال چه نوع فعالیتهایی باید بصورت علنی و کدامیک باید بصورت مخفی باشد؟

## در مورد کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی و ابعاد آن



محمد آسنگران

گفت که این کمپین بزرگترین حرکتی است که تا کنون اپوزیسیون علیه جمهوری اسلامی سازمان داده است. قبلاً نمونه های زیادی از کمپینها و حرکات موفق را شاهد بوده ایم، اما هیچکدام از آنها تا این حد جهانی، وسیع و توده ای نبوده است. هیچکدام از آنها تا این حد رژیم اسلامی را تحت فشار و ناچار به جوابگویی نکرده است. این کمپین تا همین امروز بسیار بزرگتر از تمام حرکات و کمپینهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی از جمله کمپینهای خود ما در طول سه دهه گذشته بوده است. تا کنون ما شاهد هیچ موردی در این ابعاد از دخالت رسانه های جهانی، دخالت شخصیتها و دخالت توده عظیم مردم و حتی دولتها نبوده ایم.

بی شک این کمپین بزرگترین و وسیعترین کمپین جهانی علیه سنگسار و علیه جمهوری اسلامی است. رفقای دیگر در مورد ابعاد عملی و تاثیرات سیاسی این کمپین مقالات متعددی نوشته اند. من در این نوشته تلاش میکنم از زاویه دیگر به این کمپین بنگرم، زیرا شناخت این وجه فعالیت میتواند تجربه مهمی برای حرکات بعدی هم محسوب شود. با اطمینان میتوانم

صفحه ۲

کارزار نجات سکینه: ۲۸ اوت ۲۰۱۰  
در ۱۰۰ شهر جهان علیه سنگسار!

صفحه ۶

## زندگی مرگ و دیگر هیچ کارگران مهاجر و فصلی در حاشیه مرگ رضا علیمی



ناصر اصغری

برای سیر کردن شکم خانواده اش، دوری از آنها را تحمل کرده و به صفحه ۴

در خیرها آمده بود که عصر پنجشنبه ۲۸ مردادماه ۸۹، يك کارگر ساختمانی ۲۲ ساله به نام رضا علیمی که از بوکان به دنبال کار راهی تهران شده بود، در حالی که مشغول تخریب آپارتمانی در مرکز تهران بود، از طبقه پنجم سقوط کرد و جان باخت. جان انسان و بخصوص انسان کارگر و قشر فقیرتر جامعه، در ایران زیر سیطره حکومت اسلامی کوچکترین ارزشی ندارد. این يك فاكت داده شده است. رضا علیمی یکی از آن انسانهای شریفی بود که

کنفرانس مطبوعاتی در ۲۶ اوت ۲۰۱۰ در واشنگتن دی سی در مورد پرونده سکینه محمدی آشتیانی و کمپین جهانی برای آزادی او

صفحه ۴

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۵

احمدی نژاد را به سازمان ملل راه ندهید!

صفحه ۶

JOIN US!

**AUGUST 28**  
100 CITIES AROUND THE WORLD  
AGAINST STONING

CALL TO WORLD CITIZENS:  
On August 28, 2010, organize or participate in  
PROTEST AGAINST STONING  
and the savagery of the  
ISLAMIC REPUBLIC IN IRAN  
**STOP THE KILLING  
NOW!**

In the past  
31 years, the  
Islamic Republic  
in Iran has stoned  
**at least 150 people to death -  
MOST ARE WOMEN.**

At least 25 more people are on  
death row awaiting execution  
by stoning.  
**JOIN US AUGUST 28 to  
SAY NO! to STONING!**

**SAKINEH  
ASHTIANI**

ICAA (iranactionnow.com) Iran Solidarity (transliteration.org) MFI (mofianfreedom.org) ICSE (photosfromexecution.org)

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## جوانبی دیگر از سازماندهی هسته ها...

از صفحه ۱

تواند مخفی باشد و بعضی هم علنی. برای روشنتر شدن منظورم مثالی میزنم. مثلا اگر قرار است ۱۰ فعال هسته محله در یک روز تعطیل مثل جمعه به کوه بروند یا در پارکی دور هم جمع شوند و صحبت‌هایشان را آنجا صورت دهند، قطعا از دید هر رهگزی این جمع شدن که هر یک از افراد نیز توشه ای برای خوردن با خود به همراه دارد، باید به پیک نیکی دسته جمعی شبیه باشد و تصویر یک تفریح دسته جمعی را منعکس کند که سوظن کسی را برنیا نگیزد. وقتی وارد موضوع و مسایلی هم که قرار است به بحث گذاشته شود می شوند، همان ده نفر بایستی در جریان موضوعات مورد بحث قرار داشته باشند بدون اینکه مدرکی که ردی از مضمون جمع شدن را نشان دهد به همراه داشته باشند و به محض نزدیک شدن هر عنصر و شخص ناشناس و مشکوکی به جمع، می توان وقتنا بحث را عوض کرد و به شوخی و گپ زدن و غیره پرداخت. یا مثلا اگر قرار است هسته محله روزی را در منزل یا جای مطمئنی برای مطالعه برنامه ریزی کند، این کار باید مخفی باشد اما نباید در ظاهر امر و از دید بیرون از خود وانمود کرد که گویا قرار است کار خاصی صورت بگیرد. در چنین حالتی بایستی کاملا رلکس، طبیعی، راحت و در پوششهای روابط طبیعی و اجتماع عمل کرد. نتایج تصمیمات هم مثلا اگر تصمیم به شعار نویسی و پخش بیانیه در شب گرفته شده است، این کار را باید اعضای هسته و با دخیل کردن کسانی از اهل محله که به هسته نزدیکترند و توانایی آنرا دارند انجام داد. مثلا برای برگزاری و شرکت در تجمع اعتراضی توده ای که هسته از قبل در مورد آن تصمیم به شرکت فعال در آن را دارد، باید علنی ظاهر شد. این علنی کاری قطعا باید در دل همان حرکت اجتماعی معین باشد که نیروی بیشتری از اهالی محل در آن حضور دارند. مثلا هشت مارس یا روز جهانی کارگر یا اعتراضی که اهل محله بطور دسته جمعی و در سطحی گسترده نسبت به دست

عنوان کردن آن با عضو دیگر هسته یا تشکیلی که در آن فعالیت می کنند ولو اینکه خیلی هم قابل اعتماد باشد نیست.

**آوات فرخی:** شما در مقاله تان به این اشاره کرده اید که "فعالینی که به دور هم جمع می شوند باید بعد از چند ماه تعدادشان به ۲۰ نفر یا بیشتر هم برسد" سوال این است آیا با توجه به فضای این دوره شناخت این افراد از هم از نظر امنیتی مشکل ساز نمی شود؟

**عبد گلپریان:** در پاسخ به سوال قبلی شما اشاره کردم که هر گونه علنی کاری و یا رعایت مسایل امنیتی که بدرجای مخفی کاری را ضروری می سازد در گرو توازن قوای سیاسی اجتماعی جدالی است که مابین کل جامعه با حکومت در جریان است. در مورد افزایش افراد هسته یک محله نیز این قانونمندی صادق است. در شرایط فعلی این فاکتور را باید مد نظر قرار داد که اولاً اوضاع سیاسی جامعه ایران چگونه ای است که موقعیت بحرانی این حکومت و ابزارها و نهادهای سرکوبگرش مثل چندین سال قبل نیست و کشتی اش به گل نشسته است. فضای سیاسی، انقلابی و اجتماعی یکسال اخیر کاری کرد که با یا بدون هر هسته و جمعی در محلات، اعتراض و مبارزه مردم نسبت به اوضاع موجود، باعث شد که مردم بیشتر از هر دورانی همدیگر را پیدا کنند. اعتماد به نفس مردم و فعالین بالا رفت، اعتماد، اتحاد و همدلی بیشتری بوجود آمد و خیلی ها همدیگر را یافتند. از سوی دیگر و تا جایی که به شهرهای کردستان برمی گردد، رژیم اسلامی و دستگاه و نهادهای سرکوبگرش و در طول تاریخ ۳۱ سال حکومت ضد بشری آن، هیچگاه در میان مردم جایگاهی نداشته است. اعتصاب عمومی و سراسری ۲۳ اردیبهشت امسال و در اعتراض به اعدام پنج فعال سیاسی در شهرهای کردستان، نمونه بسیار برجسته و نقطه عطف بسیار مهمی در این همبستگی و یکدست بودن مردم در در مقابل حکومت اسلامی به نمایش گذاشت. همین یک فاکتور نشان میدهد که توازن قوا چگونه

صفحه ۳

## در مورد کمپین نجات سکینه ...

از صفحه ۱

بنابر این ابعاد و گستردگی این کمپین قابل مقایسه با هیچ کمپین دیگری نیست. سکینه محمدی اکنون نه تنها به چهره ای شناخته شده در جهان تبدیل شده است بلکه عکس و اسم او به عنوان یک قربانی در ابعادی میلیونی سمپاتی به خود جلب کرده است. برای اولین بار در تاریخ اپوزیسیون ایران به فراخوان یک جریان رادیکال، انسان گرا و مترقی، در یک روز هماهنگ در صد شهر جهان مردم صدایشان را علیه سنگسار و علیه جمهوری اسلامی بلند میکنند و در مقابل توحش اسلامی از انسانیت و تمکن دفاع میکنند.

این اتفاق کم نظیر در متن شرایط و اوضاع سیاسی معینی در ایران ممکن شده است. اوضاعی که از یک سال و چند ماه گذشته کل چهره سیاسی جامعه ایران را دستخوش تحول جدی کرده است. اتفاقی که نه تنها دو جناح قبلی رژیم اسلامی را به جان هم انداخته است، بلکه جناح حاکم هم تحت فشار به چند دسته تقسیم شده است. اما همه این فاکتورها فقط زمینه و موقعیتی را نشان میدهد که به ما میگوید. میتوان چنین فعالیتی را انجام داد. بنابر این نیروی فعاله و خط سیاسی و موقعیت شخصی معینی لازم بود که از چنین شرایطی بتوانند استفاده کند و این کمپین را سازماندهی کند. اگر شخصیت‌های مطرح و رهبری این کمپین کسانی مثل مینا احدی و مریم نمازی و ..... امروز به اعتراف همه رسانه های مهم جهان نقش تعیین کننده و مهمی به عهده گرفته اند، نتیجه و ثمره همین کمپین نیستند. زیرا علاوه بر سابقه ای طولانی آنها علیه جمهوری اسلامی و دفاع بدون اما و اگر آنها از حقوق انسانی همه انسانهای تحت ستم، در چند سال گذشته آنها با تلاشی خستگی ناپذیر پرچم نقدی روشن و راهگشا در مقابل جنیش اسلام سیاسی بر افراشتند. آنها در مقابل یک جنبش وحشی قد علم کردند و سد سکوت و ایگنور کردن رسانه های

صفحه ۴

## جوانبی دیگر از سازماندهی هسته ها...

از صفحه ۲

است و اوضاع سیاسی چگونه دارد سیر می کند. اتفاقا همین فضای سیاسی، اجتماعی و تاریخی در کردستان این امکان را فراهم می کند که خود را متشکل و سازمانیافته تر کنیم و دست بکار ایجاد هسته های محلات شویم. بر بستر چنین فضایی است که نگرانی از ازدیاد افراد و اعضای بیشتر در هسته ها از نظر امنیتی بر طرف می شود. وقتیکه اعتراض و مبارزه ای همه گیر و اجتماعی میشود، ضریب امنیتی هسته یا تشکلهای بالا می رود، قوت قلب بیشتری پیدا می کند و در میان توده اهالی بهتر قابل حفاظت شدن است. شاید عکس این صادق باشد که در صورت نبود یک فضای اعتراضی و انقلابی و همچنین وجود هسته محله یا تشکلی که ماهها تعداد اعضای آن از انگشتان دست تجاوز نمی کند، پیادست که ضریب امنیتی آن پائین می آید. از این رو تنها عامل حفظ امنیت و ادامه کاری این هسته ها نگه داشتن و بالا بردن فضای سیاسی و اعتراضی و همچنین جذب فعالین بیشتری به هسته است.

از سوی دیگر همانطور که در مقاله مربوط به سازماندهی در محلات تاکید کرده ام، قرار است این هسته ها بر بستر فلاکتی که حکومت به مردم تحمیل کرده است خود را متشکل و سازمانیافته کنند. همانگونه که یک تشکل کارگری با تصمیم و جمع شدن فعالین کارگری و توده کارگران دارند برای بقای خود و برای خلاصی از نکیبتی که این حکومت به آنان تحمیل کرده است اعتصاب سازمان می دهند، تجمع می کنند و می جنگند. هسته های محلات نیز بطور واقعی دارند برای ابتدایی ترین حقوق انسانی شهروندان محله تلاش و مبارزه می کنند. حفاظت از امنیت محله، جلوگیری از دست درازی ماموران رژیم و دخالت بی جا در روابط جوانان دختر و پسر در خیابان و محله، مدارس و دانشگاه و غیره، امری واقعی است. در همان مقاله اشاره شده است که افرادی که به هسته اضافه می شوند، کسانی هستند که سالهاست در یک محله با هم بوده اند، همدیگر را می

### آوات فرخی: بخشی از مبارزه

در خارج کشور علیه حکومت اسلامی سالهاست که توسط حزب کمونیست کارگری در جریان است. نحوه ارتباط فعالین جنبشهای اجتماعی یا فعالین هسته ها در داخل کشور با فعالین حزب در خارج کشور به چه نحوی است؟ آیا از هر جمع تنها یک نفر می تواند بعنوان رابط عمل نماید یا هر کس بصورت فردی در ارتباط با فعالین در خارج است؟

### عبد کلیریان: این سؤال با

نکاتی که تا کنون بدان اشاره شد قدری متفاوت است. فعالین جنبشهای اجتماعی در داخل کشور وظایف و امری را به پیش می برند که در ظرفیت یک فعالیت اجتماعی و توده ای قرار دارد. اگر به فرض مثال نهادی از نهادهای سرکوبگر رژیم بخواهد که برای فعالین تشکل و عرصه های اجتماعی مختلف ددرس و مزاحمتی ایجاد کند (کما اینکه طی این سالها و به عنوانین مختلف نهادهای سرکوبگر حکومت فعالین جنبشهای اجتماعی را به بهانه های مختلف به زندان، آزار و اذیت، باج گیری (وثیقه) و غیره (کشانیده اند)، باید با همان روشهای تا کنونی اعتراض اجتماعی و توده ای در مقابلش ایستاد و اعتراض و مبارزه علیه آن سازمان داد. نظیر تجمع، تظاهرات و اعتراض نسبت به بازداشت و دستگیری فعالین کارگری، فعالین دانشجویی و فعالین عرصه دفاع از حقوق زن و کودک و غیره. قطعاً این مبارزات و اعتراضات در ارتباطی منظم، متشکل و سازمانیافته کمک می کند که هدفمند و موفق به سرانجام برسد.

اما برگردم به سؤال شما. فعالینی هستند که اهداف و سیاستهای حزب ما را قبول دارند. علاقمند هستند برای تحقق این اهداف و با درجه ای از تماس در ارتباط با حزب ما فعالیت کنند. سیاست تاکتونی ما این بوده است که این فعالین باید شخصا و بطور مستقیم در ارتباط با ما باشند. ما هیچ موردی از فعالیت طبیعی و دسته جمعی مجموعه ای از فعالین را به هم وصل نمیکشیم. برای مثال اگر در یک جمع مثلا ده نفر چهار نفر از افراد این جمع بطور جداگانه با ما در ارتباط هستند، این چهار نفر همچنان بطور مجزا در تماس با ما خواهند بود و ما آن چهار نفر را هم به همدیگر معرفی نمیکشیم. سیاست ما چنانکه گفتیم تا کنون این بوده است و فعلا این سیاست سر جای خود هست. مهمترین مسئله ای که در یک چنین حالتی باید مد نظر جمع فعالین یک تشکل قرار بگیرد این است که مبلغ و مروج سیاستها و اهداف حزب هستند، فعالین سازمان دهنده هستند. برای جا انداختن آن در جمع و هسته ای که

فعالیت می کنند، در سطح عمومی تر و بدون اشاره به هر گونه رابطه مشخصی که بیانگر ارتباط آنها با حزب باشد، می توانند آنها را پیرامون روابط اجتماعی، تشکل و مناسباتهای فامیلی، خانوادگی و غیره از سوی خود و از زبان و موضع خود برای دیگران تبلیغ و ترویج کنند.

فعالی از داخل برای من تعریف میکرد و می گفت در یک مهمانی بحث بر سر اوضاع سیاسی داغ بود و همگی شرکت کنندگان مخالف حکومت بودند اما از طیفهای مختلف بودند. بعد گفت من هم آنچه که مواضع، سیاست و اهداف حزب کمونیست کارگری بود را بعنوان دیدگاه خودم و بدون اشاره به اسم حزب در مورد حقوق برابر انسان، جایگاه حقوق زن و کودک، حفظ و ارزش نهادن به حرمت، شخصیت و کرامت انسانی، دفاع از حق کارگر و دهها نمونه از اینها و راه حل ها را اشاره کردم. این دوست افزود که اکثریت شرکت کنندگان در مهمانی با صحبتهای من موافق بودند و می گفتند باید اینطور باشد و کسانی بودند که می گفتند تو واقعا حرف دل ما را می زنی.

این نمونه کوچک اما برجسته ای از نحوه جاری کردن مواضع و نظرات و سیاستهای حزب در میان مردم و محافل مختلف است بدون اینکه کسی ارتباط حزبی یک چنین فعال مبلغ، مروج و سازماندهنده ای را تشخیص بدهد. بدرجاتی و در سطح علنی تری مردم بطور واقعی در اعتراض و اعتصاب و مبارزه شان به همین منوال دارند پیش می روند. اعتراضات کارگری، قطعنامه های صادر شده از سوی هر تشکلی که انسانیت را مبنا گرفته، اکنون در جامعه به نرم تبدیل شده است و سرکوبگران حکومت امروز دیگر به راحتی نمیتوانند سر هر کسی را زیر آب کنند. نتیجتاً اینکه هر تک فعالی در هر جمع و تشکلی که قرار دارد، چه با ما در ارتباط باشد یا نباشد باید با همین سبک و روش از مبارزه علنی و برای بدست آوردن خواست و مطالبات اجتماعی و توده ای مردم ظاهر شود. اما از نظر تشکیلاتی تنها و تنها خود او از این ارتباط اطلاع ندارد و بس. ارتباط فعال حزبی در محل برای پیش برد فعالیت سازمانیافته،

متشکل و هدفمند است. و زاویه حرکت هر فعال حزبی نباید از این سر باشد که حزبی است یا نه. بلکه اساس حرکت هر فعال حزبی و غیر حزبی از این جا شروع می شود که چه عاملی سبب شده است که او با تمام توان و علاقه اش برای پیش برد امری که به آن دل بسته است و در ارتباط با حزب از خود مایه می گذارد دارد فعالیت می کند؟ این عامل همانگونه که قبلا هم اشاره شد، اثرگذار بودن و ایفای نقش برای تغییر اوضاع فلاکتیبار و تاریکی است که به ما مردم تحمیل کرده اند.

نفس موجودیت حزب کمونیست کارگری با تاریخ درخشان مبارزاتی اش در مقابل هیولایی به اسم حکومت اسلامی و دنیای نابرابر سرمایه داری نیز از همین سر است. برای تغییر این دنیای اورونه، برای قرار دادن انسان و انسانیت در محور زندگی بشر، برای برقراری دنیایی آزاد، برابر و شایسته انسان امروزی است که حزب ساخته ایم. می خواهم بگویم اگر قرار است عضو و کادر حزب باشیم، اگر قرار است سازمانده، مروج و مبلغ توانا باشیم، اگر قرار است برای تغییر این اوضاع نقش خود را ایفا کنیم، برای بهتر و موثر و موفق پیش بردن این اهداف قطعاً و اکیدا باید مسایل امنیتی و از جمله هویت تشکیلاتی خود را امن و نزد خود محفوظ نگه داریم چرا که با رژیم در حال جنگیم که برای بقای خود از سایه خود نیز هراس دارد. بنابراین رعایت این اصول برای ادامه کاری و موفقیت در راهی که برایش آستین بالا زده ایم بسیار حیاتی است. چنین توجه و رعایتی مختص به کشورهای دیکتاتور زده، فاشیست و اسلام زده است. قطعاً اگر از این سر حرکت کنیم، خواهی نخواهی شمره آن عبارت خواهد بود از خیل وسیعی از فعالین مجرب، با تجربه، مبلغ و مروج و سازمانده که می توانند یک حزب اجتماعی، توده ای و محکم را قوی تر کند و نه تنها قادر خواهد شد این بساط کثیف و ضد انسانی حکومت اسلامی را جارو کند بلکه با همان استحکام ضامن استقرار، بقا و تداوم یک حکومت انسانی هم خواهد شد. امیدوارم پاسخ به این جنبه از مسئله ارتباط گیری را هم داده باشم.

## کنفرانس مطبوعاتی در ۲۶ اوت ۲۰۱۰ در واشنگتن دی سی در مورد پرونده سکینه محمدی آشتیانی و کمپین جهانی برای آزادی او



روز پنجشنبه ۲۶ اوت مینا احدی سخنگوی کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام و ماریا روهای همهانگ کننده

میشن فری ایران در يك کنفرانس مطبوعاتی در شهر واشنگتن دی سی آمریکا آخرین اطلاعات و تحولات در مورد پرونده سکینه محمدی آشتیانی و دیگر محکومین به سنگسار در ایران را به اطلاع خواهند رساند.

در این کنفرانس آخرین تحولات مربوط به حرکت "صد شهر جهان علیه سنگسار"، متن

بیانیه سراسری این آکسیون جهانی و همچنین اقدامات بعدی جهت ارائه اسناد کمپین جهانی نجات سکینه به سازمان ملل در نیویورک و طرح خواست ممانعت از ورود احمدی نژاد به مجمع عمومی امسال به اطلاع رسانه ها خواهد رسید.

شرکت در کنفرانس برای عموم آزاد است.

زمان: ساعت ۱۰ صبح پنجشنبه ۲۶ اوت

محل: Riggs Alumni Center at the University of Maryland

برای اطلاعات بیشتر میوانید با تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید:

Maria Rohaly  
Tel: 240-595-2633

آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

Email: [maria.rohaly@gmail.com](mailto:maria.rohaly@gmail.com)

میشن فری ایران [www.missionfreeiran.org](http://www.missionfreeiran.org)

کمیته بین المللی علیه سنگسار [www.stopstonningnow.com](http://www.stopstonningnow.com)

کمیته بین المللی علیه اعدام [www.notonemoreexecution.org](http://www.notonemoreexecution.org)

## زندگی مرگ و دیگر هیچ ...

از صفحه ۱



امید و آرزوی یافتن کاری، راهی تهران شده بود. خیر مرگ وی و شیوه ای که این اتفاق افتاد، دل هر انسان شریفی را به درد می آورد. نه مرگ چیز عجیب و غریبی است، نه حتی مرگ در غربت، نه مهاجرت چیز عجیب و غریبی است و نه مهاجرت برای یافتن کار. آنچه که غم انگیز است، مهاجرتی است که آینده بهتری را به دنبال ندارد و مرگی است که می شود از وقوع آن جلوگیری بعمل آورد.

مهاجرت از شهری به شهر دیگری برای یافتن کار همزاد نظام سرمایه داری است. نه تنها انسانها برای یافتن کار از روستا و شهر

محل تولد خود به جاهای دیگری مهاجرت می کنند، بلکه پدیده مهاجرت از کشوری به کشور دیگری برای یافتن کار نیز پدیده تازه و عجیب و غریبی نیست. اما آنچه که در ایران و در مورد مشخص رضا علیعی جلب توجه می کند، این است که انسانها نه به دنبال یافتن کار بهتری، بلکه برای یافتن شغل و هر شغلی و با هر مشخصه و موقعیت و شرایطی حاضرند از خانه و کاشانه و خانواده خود کنده شده و راهی شهرهای دیگر بشوند. نکته دوم اینکه کارگر فصلی و مهاجر، از کوچکترین امکانی برخوردار نیست. نه شامل قانونی می شود، نه دستمزدی ثابت و مشخص می گیرد، نه ساعت شروع کار و پایان کار مشخصی دارد، نه استنادداری برای ایمنی کار شامل حالش می شود و خلاصه برده ای در جامعه برده داری مدرن است. این وضعیت است که هر روز شاهد فجایعی چون مرگ رضا علیعی می باشیم.

۲۱ اوت ۲۰۱۰

## از صفحه ۲ در مورد کمپین نجات سکینه ...

دادن چپ جامعه و مهندسی افکار عمومی است. اما این فقط يك بخش واقعیت است که چپ را به موقعیت کنونی خود متقاعد کرده است. بخش دیگر واقعیت به خود این چپ برمیگردد. چپی که بخواهد اجتماعی باشد راهی به جز این ندارد که رادیکالیسمش را توده ای کند. چپی که بخواهد از فرقه های موجود فاصله بگیرد و اجتماعا در نقش يك نیروی مدعی قدرت در جامعه ظاهر شود و در عرصه سیاست اکثریت جامعه را نمایندگی کند و اشتباهی خود را برای کسب قدرت سیاسی نشان بدهد، باید رسانه هایی داشته باشد که بتواند از طریق آنها به چشم و گوش میلیونها انسان دسترسی پیدا کند. باید این شانس و این موقعیت را پیدا کند که خود را به معرض انتخاب بگذارد. بنابر این چپ ایران و فراتر از ایران کل چپ غیر کارگری و غیر اجتماعی دنیا، عادت کرده است که نشریات، رسانه ها و مخاطبینش در حد عده های دو رقمی و سه رقمی بیشتر نباشد. آنها نمیتوانند به این ابعاد میلیونی فعالیت فکر کنند. و فکر و ایده آن هم برایشان منحرف شدن و از ریل خارج شدن محسوب میشود. اما چپی که بخواهد در دنیای کنونی خشتی رو خشت بگذارد و نانی به سفره انسانی اضافه کند و جان انسانی را نجات دهد نمیتواند به رسانه های میلیونی بی تفاوت باشد. این چپ باید خود صاحب این رسانه باشد و یا به فکر راهی برای استفاده از رسانه های موجود باشد. اگر فعلا به دلایل مختلف داشتن رسانه میلیونی ممکن نیست نمیتوانیم برای شکستن سد رسانه های موجود بی نقشه و بی اهمیت باشیم. اما اینها هیچکدام مشغله چپ غیر اجتماعی نیست. اهمیتی برایش ندارد. بنابر این یا در حاشیه میماند و یا اگر بخواهد در سیاست دخالت کند به راست میچرخد. این سیکلی است که مرتب تکرار میشود و سیمای چپ را از بعد از انقلاب اکتبر تا کنون ترسیم میکند. بعد از تجربه شکست انقلاب اکتبر برای اولین بار چپی پا به عرصه سیاست میگذارد که دنیا را طور دیگری میبیند. سیاسی است. ایدئولوژیک نیست. خود را

صاحب جامعه میداند. با تکرار بی محتوای سوسیالیسم و کارگر مشغول خود ارضایی نیست. بر عکس دست اندرکار تغییر جامعه در هر جا و در همه حال است. مسئله زن و آزادیهای سیاسی و مقابله با مذهب و غیره را امر دمکراتیک و درجه دوم کم اهمیت نمیداند. بلکه تمام مسایل جامعه را به خود مربوط میداند و برای همه آنها از زاویه يك کمونیست پاسخ دارد و یا به دنبال پاسخ میگردد. دو قطبی فعالیت سوسیالیستی دمکراتیک را از سالها قبل دور ریخته و خود را کمونیست دخالتگر تعریف کرده است. به تمام مسایل جامعه کار دارد. تغییر مثبت در جامعه را به آینده نامعلوم حواله نمیدهد. تغییر در زندگی همین امروز خود و هموعانش را امری ممکن و فوری میداند. اینها گوشه هایی از ویژه گی این کمونیسم دخالتگر است. گوشه ای از پراتیک این نوع کمونیسم سازمان دادن، رهبری و هدایت این کمپین است. کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی اگر چه يك مسئله انسانی است و همه اقشار و گرایشات بجز جمهوری اسلامی که میخواهد سنگسار کند، بقیه ظاهرا هر کدام به نوعی خود را موافق این کمپین نشان میدهند. اما در همین سطح هم جدال گرایشات مشهود است. دنیا در مورد این کمپین صدایش بلند شده است اما اکثریت قریب به اتفاق گرایشات و جریانات سیاسی ایرانی فعلا از خواب خرگوشی بیدار نشده اند. مشغول چرتکه انداختن هستند که چقدر به نفع گروه آنها است که وارد این میدان بشوند یا نشوند. ما و این اپوزیسیون چپ و راست در تحولات بعدی هم همدیگر را خواهیم دید. جامعه هم قضاوتش را کرده است و میکند. اینجا بر جریانات راست و ارتجاعی حرجی نیست. اما جریاناتی که خود را چپ میدانند کجا ایستاده اند، چکار کرده اند، چه سیاسی در پیش گرفته اند. اینها سوالاتی است که در قبال این کمپین روی میز هر جریان سیاسی قرار میگیرد. آیا جواب قانع کننده و مسئولانه ای برای آن دارند؟ یا مشغول مسایل مهمتری هستند!





## کارزار نجات سکینه: ۲۸ اوت ۲۰۱۰ در ۱۰۰ شهر جهان علیه سنگسار!



اعضا و فعالین و امکانات خود را برای انجام هرچه بهتر این کمپین بسیج کنند.

از تمامی شهرداری ها، شوراهای محلی، پارلمانها و نمایندگان مجالس سراسر جهان دعوت میکنیم تا به کمپین شهروندان جهان علیه سنگسار پیوندند و با صدور قطعنامه ها و بیانیه ها به رژیم سنگسار در ایران اعتراض کنند.

همه رسانه های جهان را دعوت میکنیم تا در پخش اخبار پیشروی کمپین "صد شهر جهان علیه سنگسار" ما را یاری رسانند.

از تمام ایرانیان ساکن خارج کشور و همه جریانات اپوزیسیون جمهوری اسلامی و همچنین رسانه های فارسی زبان دعوت میکنیم تا کمپین "صد شهر جهان علیه سنگسار" را کارزار متعلق به خود بدانند و با ابتکارات و اقدامات خود اعتراض علیه سنگسار و رژیم اسلامی سنگسار را ابعادی هرچه وسیع تر بخشند.

ایران سولیداریتی  
میشن فری ایران  
کمیته بین المللی  
علیه سنگسار  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
۵ اوت ۲۰۱۰

اسلامی سنگسار در شهر خود تجمعات و تظاهرات اعتراضی برپا کنند. ما همه فعالین مبارزه علیه سنگسار، همه سازمانها و نهادها و دست اندرکاران سایتهایی که بخصوص در کارزار نجات سکینه فعال بوده اند را فرامیخوانیم تا با استفاده از همه امکانات خود برای سازماندهی آکسیون بزرگ "صد شهر جهان علیه سنگسار" و موفقیت آن بکوشند.

از مردم سراسر جهان میخواهیم از هم اکنون برای برگزاری تظاهرات در شهر خود با ما از طریق سایت های زیر تماس بگیرند، اعلام آمادگی کنند و دوستان خویش را سازمان دهند. ما در اطلاعیه های بعدی و از طریق این سایتهای لیست شهرهایی که آماده برگزاری تظاهرات هستند و به آن می پیوندند را اعلام خواهیم کرد.

همه اتحادیه ها و تشکل های کارگری، تشکل های حقوق زنان، سازمان عفو بین الملل و همه سازمانهای مترقی و مدافع حقوق انسانی را دعوت میکنیم تا در این مبارزه و برای عقب راندن جمهوری اسلامی با ما همراه شوند. سخنران به اجتماعات ۲۸ اوت بفرستند و

کارزار نجات سکینه از سنگسار توجه جهانیان را به این جنایت قرون وسطائی جلب کرده است. امروز نام سکینه برای میلیونها انسان در سراسر دنیا نامی آشنا است و صدها هزار نفر با امضای طومارهای اعتراضی مخالف خود را با این جنایت وحشیانه اعلام کرده اند. این حرکت میلیونی باید سازمان پیدا کند و اعتراض خود را به خیابانها بکشد! ما به این منظور روز ۲۸ اوت را بعنوان روز آکسیون بزرگ "صد شهر جهان علیه سنگسار" اعلام میکنیم و از همه مردم جهان میخواهیم تا در این روز در اعتراض به جنایت قرون وسطائی سنگسار و در محکومیت رژیم

## احمدی نژاد را به سازمان ملل راه ندهید!

قرار است احمدی نژاد در ماه سپتامبر در شصت و پنجمین مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک شرکت کند. او نماینده یک دولت سرپایا جنایت، رئیس جمهور حکومت سنگسار است و نباید از سوی مجامع بین المللی پذیرفته شود.

ماهیت جنایتکار، تروریست، آدمکش و ددمنش جمهوری اسلامی برای مردم جهان آشکار شده است. این حکومت باید همه جا طرد شود و از همه نهادها و سازمان های بین المللی بیرون انداخته شود.

سفارتخانه های این رژیم جانی باید همه جا تعطیل شوند و حضور مقامات آن در همه جای دنیا ممنوع شود. حضور احمدی نژاد در سازمان ملل فقط توهین به مردم ایران نیست، توهین به بشریت است. او رئیس حکومت قتل و جنایت و سنگسار است و نباید در سازمان ملل بعنوان نماینده مردم ایران پذیرفته و به او سکوی خطابه داده شود.

۳۱ سال است این حکومت شکنجه و سنگسار میکند، شلاق میزند و اعدام میکند، چشم در میاورد و دست قطع میکند. ترور میکند و گروه گروه به جوخه اعدام میسپارد. رهبران کارگری را شلاق میزند و زندانی میکند و همجنس

تشکیلات خارج کشور  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۶ اوت ۲۰۱۰

## زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

همکار نشریه ایسکرا

آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

توجه: کانال جدید از روز سه شنبه ۱۲ مرداد ماه، برابر سوم اوت، بر روی شبکه هاتبرد از ساعت ۱۰ و نیم تا ۱۲ و نیم شب به وقت ایران بر نامه خواهد داشت.

KBC Channel  
فرکانس 11200  
عمودی Vertical  
سیمبل ریت 27500  
Fec: 5/6



لطفا دوستان و آشنایان خود را از برنامه های جدید کانال جدید مطلع کنید.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!